

مهاجرت و معضلات فرهنگی اجتماعی قم

دکتر حسین معین آبادی^۱

چکیده:

مهاجرت به شهر قم منجر به افزایش جمعیت شهری و ایجاد برخی مشکلات اجتماعی و فرهنگی شده است. افزایش حاشیه نشینی، معضلات فرهنگی و کاهش ضریب امنیتی از یک سو و نگرانی متولیان و مسئولین فرهنگی استان نسبت به حفظ هویت مذهبی قم از سوی دیگر باعث شده است تا تدابیری برای کنترل مهاجرت اندیشیده شود. اعتقادات مذهبی، هویت دینی، نگرش نسبت به روابط دختر و پسر، رعایت قانون و مقررات و گرایش نسبت به رفتارهای ناهنجار و کجروی در دو دسته بومی و مهاجر در سال ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار گرفت و نتایج معناداری در مورد برخی متغیرها به دست آمد. در بعضی مولفه ها، مهاجرین نمرات بالاتری نسبت به بومیان به دست آورده یا با آنان برابری می کنند.

نسل اول بومی و مهاجر پای بندی بیشتری از خود نسبت به گرایش های رفتاری و هویت فرهنگی، مذهبی و ... نشان داد. نسل دوم در هر دو دسته بومی و مهاجر نمرات کمتری به دست آوردند.

واژگان کلیدی:

- بومی، مهاجر، گرایش های رفتاری، هویت مذهبی، پای بندی فرهنگی، احساس تعلق به قم.

بیان مسئله

رشد سریع جمعیت در کشور منجر به افزایش مهاجرت به شهرها، کاهش نظارت و کنترل اجتماعی، کاهش ضریب امنیتی و انتظامی و مشکلات حمل و نقل را به وجود آورده است.

معمولاً به واسطه ورود افراد تازه وارد و عموماً ناآشنا نسبت به هنجارها و باورهای جامعه، مسائل فرهنگی و اجتماعی خاصی به وجود می‌آید و چالش‌هایی را با نظام ارزشی حاکم باعث می‌شود. مهاجرت روندی است که طی آن عده‌ای از انسان‌ها از منطقه‌ای به منطقه دیگر نقل مکان می‌کنند که دارای دو شکل مهاجرت داخلی یعنی مهاجرت در درون مرزهای یک کشور و مهاجرت خارجی یعنی مهاجرت از یک کشور به کشوری دیگر است. مهاجرت باعث تغییر محل سکونت اصلی فرد یعنی محل عادی سکونتش می‌شود، اصطلاح مهاجرت، پدیده مربوط به این جابه‌جایی را نیز مشخص می‌کند. (پرسا، ۱۹۸۵، اسدی، ۱۳۷۴، ۳۱۱).

پیشینه تاریخی مهاجرت در قرون معاصر نشان می‌دهد که انقلاب صنعتی و حاکم شدن نظام تولیدی بورژوازی نیازمند کارگران تمام وقتی بود که در چرخه تولید کالایی به ایجاد ارزش افزوده پرداخته و نظام کالایی با تولید انبوه را جای‌گزین نظام معیشتی سنتی نمایند. جذب کشاورزان و کارگران روزمزد کشاورزی به بخش صنعت اولین موج شهرنشینی در اروپا را در پی داشت، ولی کشورهای توسعه نیافته و کشورهای در حال توسعه بدون درک تجربه انقلاب صنعتی اروپا و تنها به عنوان مصرف‌کننده تکنولوژی مدرن با مشکل مهاجرت وسیع روستائیان به شهرها روبرو بوده‌اند، که هیچ‌گاه با برنامه‌های توسعه این کشورها و همچنین زیرساخت‌های موجود در شهرها هم‌خوانی نداشته است.

در ارتباط با علل مهاجرت در کشورهای در حال توسعه، وجود جذابیت شهرها و برخی مشکلات روستائینان باعث تسریع آهنگ مهاجرت می‌شود، به عبارت دیگر تنها فقدان زمین کافی برای کشت، پائین بودن سطح بهداشت و درمان، عدم درآمد کافی برای تامین نیازهای اولیه زندگی عامل مهاجرت نیست، بلکه نقش جاذبه‌های مناطق شهری، به ویژه شهرهای بزرگ‌تر و توسعه یافته نیز بسیار مهم است و این عوامل بر روی هم در مهاجرت روستائیان به مناطق شهری مؤثر بوده‌اند. (فصلنامه جمعیت، شماره ۱۸، ص ۷۲).

افزایش مراکز حاشیه نشین و برخی حلبی آبادها همچون جزایر مستقل و جدا از محدوده شهرهای مادر به واسطه فقدان نظارت و کنترل اجتماعی مکان مناسبی را برای انجام بزه های گوناگون فراهم می سازد.

وجود حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ و تجمع انسان های فقیر در مکان های غیربهداشتی و دست زدن به کارهای دون پایه و موقت، طیفی از کارگران روز مزد و دور افتاده از پایگاه طبقاتی را به وجود می آورد که "کارل مارکس" این افراد حاشیه نشین و شناور را لومپن می نامد.

عظمت و بزرگی شهر منجر به تمکین نسل اول مهاجرین است ولی کودکان - نسل دوم مهاجرین - به واسطه رشد و نمو در شهر از بزرگی و گستره جغرافیایی شهر ابایی نداشته و برای فرار از فقر به اقدامات غیرقانونی و مجرمانه دست می زنند و گاهی جذب گروه های کیج رو و مجرم می شوند.

ماندگاری لایه های فرهنگی استان مبدا بر مهاجرین منجر به شکل گیری خرده فرهنگ های گوناگون در منطقه مهاجر پذیر می شود که نتیجه آن به خطر افتادن هویت فرهنگی و انسجام معنوی شهر مادر یا شهر مقصد است. به چالش طلبیده شدن همگونی فرهنگی و تعارض خرده فرهنگ ها با فرهنگ مسلط و هنجارهای مورد احترام، رفتارهای هنجارگریزانه را دامن زده و با تکیه بر خرده فرهنگ گروه های مهاجر و سکنی گزیدن در محلات مستقل، تعامل کمتر سازنده ای را با فرهنگ بومی برقرار کرده و چندگانگی فرهنگی را باعث می شوند.

کاهش نظارت و کنترل اجتماعی در شهرها و رهاشدن فرد از جامعه بسته روستایی که بر تمامی رفتارها نظارت قوی دارد، فضایی فراخ برای دست یازیدن به اقدامات هنجار شکنانه در اختیار فرد قرار می دهد. برخی مهاجران در نوع پوشش و آرایش، ادبیات گفتاری، نوع تفریحات، مصرف اقلام فرهنگی و معاشرت قبل از ازدواج با جامعه مقصد، الگوهای متفاوتی را برمی گزینند و برخی هنجارهای حاکم را به چالش می کشد. هرچه گستره ارضی شهر فراخ تر شود ساز و کار نظارتی آن کاهش می یابد و نظام فرهنگی و اجتماعی آن دچار تکثر و گستردگی شده و شرایط را برای ایجاد اختلال فراهم می سازد. جامعه ایران به واسطه حرکت در راستای مدرنیته و حاکم شدن شرایط گذار بر کشور دستخوش اختلالات قابل توجهی در روند جامعه پذیری و حل بحران هویت جوانان است و رشد سریع شهرنشینی و کاهش جمعیت روستایی از ۶۲ درصد، در سال ۱۳۴۵ به ۴۳ درصد در سال ۱۳۷۰، باعث مشکلات فرهنگی، اجتماعی و عمرانی فراوانی

شده است (فصلنامه جمعیت، ۱۷، ۳۹). در این میان شهر قم در توزیع جمعیتی کشور در بین ۸ شهر بزرگ با تمرکز بیش از حد جمعیت مواجه بوده و در فاصله سرشماری سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۵ افزایش جمعیت آن ۱۴ درصد گزارش شده است.

توسعه نیافتگی صنعتی کشور و وارد شدن مهاجرین در فعالیت های توزیعی و خدماتی و عدم تولید ارزش افزوده باعث ادامه زنجیره فقر می شود.

درک ایده ها، ارزش ها و الگوهای رفتاری مهاجرین کمک مناسبی در تدوین طرح جامع آموزش مدنی و تجدیدنظر در مجاری جامعه پذیری و جامعه پذیری مجدد در مناطق مهاجرنشین و سکونت گاه های غیررسمی - که عموماً محل سکونت مهاجرین است - خواهد داشت.

شناخت ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی ناشی از مهاجرت باعث آسیب شناسی رفتار مهاجرین و کمک به حفظ فرهنگ غنی و دیرپای قم است. با توجه به گسترش شهرنشینی در کشور و نزدیکی قم به تهران و افزایش هر ساله تعداد شهروندان قمی و توسعه مناطق حاشیه نشین، توجهی خاص به افراد جدید و تدوین ساز و کار عملی برای جامعه پذیری مهاجرین را می طلبد که ساماندهی آنان از اولویت های توسعه اجتماعی استان است.

برای ساماندهی و کاهش آسیب های ناشی از حضور مهاجرین و آگاه سازی آنان و نهادینه سازی هنجارها و تبیین جامعه پذیری مجدد در راستای همبستگی اجتماعی و جلوگیری از انزوا و ایجاد گروه های کج رو همراه با خرده فرهنگ های متنوع مناطق مهاجر فرست، آگاهی از وضعیت فرهنگی، الگوهای ارزشی و نگرش مهاجرین نسبت به فرهنگ غالب قم، ضروری است تا به این واسطه بتوان مسئولین مربوطه را برای پیشگیری از بحران های اجتماعی یاری کرد و ابزار تحلیلی مناسبی را برای برنامه ریزی و مقابله با آسیب ها فراهم نمود.

پیشینه پژوهش های انجام شده در قم و سایر شهرها نشان می دهد که مهاجرین بیش از بومیان به رفتارهای هنجار گریزانه و اعمال مجرمانه دست زده و مسایل اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند.

احمد نیکزاد در پژوهش «**بررسی عوامل موثر در اقدام به خودکشی در استان قم ۱۳۷۵**» به این نتیجه می رسد که مهاجرین قم در سال ۱۳۷۵ بیش از بومیان اقدام به خودکشی کرده اند به طوری که سهم مهاجرین در خودکشی نسبت به بومیان ۷۰٪ است. ۸۶/۶ درصد از خودکشی کنندگان ناموفق در مناطق حاشیه ای شهر و در واقع در مناطق

پائین شهر زندگی می کنند و افراد ساکن در دیگر مناطق سهم کمتری، ۱۳/۴ درصد دارند. همچنین میزان خودکشی با وضعیت اقتصادی افراد بستگی دارد، به طوری که افراد طبقه پائین بیش از طبقه متوسط و طبقه بالا اقدام به خودکشی می کنند. وابستگی مذهبی (ایمان) بین افرادی که اقدام به خودکشی کرده اند ضعیف یا کم است.

مهاجرینی که اقدام به خودکشی کرده اند، از لحاظ نسل اول یا دوم بودن، تقریباً به یک میزان به این عمل اقدام کرده اند. ۵۲ درصد مهاجرین از نسل اول و ۴۸ درصد متعلق به نسل دوم می باشند.

از لحاظ منشاء مهاجرت روستایی یا شهری بودن، وضعیت بدین گونه است که در میان مهاجران ۵۴/۳ درصد منشاء شهری دارند و بقیه (۴۵/۷) دارای منشاء روستایی هستند.

نیکزاد در پژوهشی دیگر تحت عنوان « **مقایسه جرایم بومیان و مهاجرین** » و نوع جرایم زندانیان قمی و مهاجر که با مساعدت مالی معاونت سیاسی و امنیتی استانداری قم انجام شده به این نتیجه رسیده است که مهاجرین بیش از بومیان مرتکب بزه های اجتماعی می شوند و به واسطه ارتکاب جرایم مختلف به زندان محکوم می شوند. در این پژوهش مهاجرین در ارتکاب جرایمی چون کلاهبرداری و روابط نامشروع نسبت به بومیان از درصد بالاتری برخوردار هستند. بومیان تنها در بزه اعتیاد به مواد مخدر نسبت به مهاجرین درصد بالاتری را به خود اختصاص می دهند. آمارهای ۳ ساله ۷۹-۱۳۷۶ مبین آن است که در ارتباط با روابط نامشروع بومیان دارای رشد محسوسی هستند و در حال نزدیک شدن به مهاجرین می باشند.

طرح پژوهشی « **شناسایی مناطق بحران خیز استان قم** » که توسط علیرضا آقاییوسفی و تحت نظر معاونت سیاسی امنیتی استانداری قم انجام شده است مؤید آن است که در بررسی انجام شده از ۱۴۷۰ نفر زندانی موجود سال ۱۳۷۶ در زندان های قم که محل سکونت آنان قم می باشد ۳۰/۵ درصد زندانیان یعنی بالاترین نسبت بزه کاران در منطقه ۳ شامل نیروگاه، امامزاده ابراهیم و زندآباد زندگی می کنند. مناطق ۲ شامل خیابان خاکفرج، امام خمینی و ... و منطقه ۴ (طالقانی و انقلاب) و ... مقامهای دوم و سوم را به خود اختصاص می دهند.

نسبت زندانیان بومی ۵۹/۷ درصد و مهاجرین ۴۰/۳ درصد می باشد. ظاهراً زندانیان بومی بیشتر هستند ولی عملاً بدون داشتن آمار نسبت بومی به مهاجر در جمعیت استان (سرشماری) امکان مقایسه آماری دقیق وجود ندارد (آقاییوسفی، ۱۳۷۶).

محقق در نتیجه گیری پژوهش خود می گوید: اگر بخواهیم به صورت آماری در مورد این که آیا مهاجرین بزه کاری بیشتری مرتکب می شوند یا ساکنان بومی استان قم، به دلیل فقدان آمار تفکیک شده مهاجرین و ساکنان بومی نمی توان اظهار نظر خاصی کرد. به ویژه آن که به دلیل مشکلات مربوط به داده ها ما مجبور بوده ایم تمام کسانی که محل تولدشان قم بوده بومی و در غیراین صورت مهاجر تلقی کنیم (اداره کل زندانهای قم چنین عمل نموده است) و این به راحتی قابل خدشه است اما به لحاظ نظری و براساس شواهد و با توجه به این که ۸۲٪ از بزه کاران به مناطق ۲،۳،۴ [مناطق تقسیم بندی شده توسط مؤلف است که با تقسیم بندی مناطق شهرداری همخوانی ندارد.] مربوط بوده اند و اغلب این مناطق مربوط به مهاجرین است، ممکن است بتوان احتمال داد که مهاجرین بیش از ساکنان بومی بزه کاری دارند (آقایوسفی، ۱۳۷۶).

دکتر مجید مساواتی آذر^۱ در پژوهشی تحت عنوان « **خانواده های مهاجر روستایی و زمینه های طلاق** » می گوید: در ایران هجوم روستائیان به بعضی از شهرهای متحول و صنعتی، تغییرات زیادی در افکار جمعیتی و شیوه های زندگی روستائیان و اخلاق و حالات روانی آن ها به وجود آورده است که بر تکوین و پیدایش بعضی از عوارض ناخوشایند اجتماعی و انحرافات مؤثرند. زیرا عده زیادی از این خانواده ها از نظر اقتصادی و تربیتی بسیار ناتوان هستند و اگر چه آنان از آلودگی های اجتماعی بر کنار بوده اند، ولی شهرنشینی جدید بدون آمادگی های فنی و فکری تمایلات غیرعادی را به تدریج در میان آن ها از قوه به فعل در آورده است. در واقع، شهرنشینی جدید نیازهای فراوانی را برمی انگیزد که برآوردن آن ها با محدود بودن امکانات اجتماعی و اقتصادی غیرممکن می گردد. از این رو، مهاجرت روستائیان به شهر و تمرکز در بعضی از نقاط شهری به تدریج تغییرات عمیقی در اصول اخلاقی و حالات روانی و فکری و عقاید آنان به وجود می آورد که از دگرگونی طبقات شغلی و اعمال اقتصادی خانواده بر کنار نیستند. یعنی، خانواده ها نه تنها دیگر یک واحد تولید کننده و مصرف کننده نیستند، بلکه گسترش آن ها در جهتی است که اکثرا به صورت یک واحد مصرف کننده در می آیند.

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: مجید مساواتی آذر « خانواده های مهاجر روستایی و زمینه های طلاق »

تحقیقی که از نظر محیط شناسی جرایم در مناطق مختلف شهری در تبریز انجام شده، نشان می دهد که در سال ۱۳۶۰، ۵۱/۵ درصد اختلاف خانوادگی که با خشونت و ضرب و جرح زوجین همراه بوده از محدوده کلانتری ۲ و ۳ گزارش شده است. ۱۶ درصد اختلافات خشونت آمیز زوجین در کلانتری ۱، ۲۷/۸ درصد از محدوده کلانتری ۲ و ۲۳/۷ درصد از محدوده کلانتری ۳ گزارش شده است (اکثر مناطق کلانتری ۲ و ۳ مهاجرنشین و محلات فقیرنشین شمال شرقی و شمال غربی تبریز و قسمت های پایانی جنوب شرقی در کلانتری ۱، یعنی اطراف قبرستان امامیه و بقایه در شهر تبریز مهاجرنشین هستند). در حالی که در کلانتری ۵، خیابان دکتر علی شریعتی (شهناز سابق) خیابان ۱۷ شهریور و خیابان صائب، این میزان کمتر از ۱۴ درصد، و در کوی ولی عصر واقع در کلانتری ۷ که محل اقامت طبقات بالا و متوسط است حدود ۰/۹ درصد و بالاخره در کلانتری ۶ (مناطق قدیمی) حدود ۲/۳ درصد می باشد.

دکتر مساواتی آذر علت افزایش آمار طلاق مهاجرین نسبت به بومیان را ناشی از ترک محیط روستایی می داند. او معتقد است محیط روستایی دارای روابط اجتماعی بسیار ساده است و افراد به زندگی یکدیگر آگاهی دارند و مواظب کار و رفتار همدیگر هستند. از این رو، کجروی و تبهکاری کمتر جلوه گر می شود، در نتیجه، از هم پاشیدگی خانواده در این مناطق بسیار پایین است. در اثر مهاجرت و تحرک مکانی، روابط مهاجرین در مناطق روستایی به دلیل نظارتی که نزدیکان به طرز سلوک آنان داشتند، تغییر می یابد.

گذشته از آن در محیط شهری مهاجرین دیگر به اصول و ارزش ها و مقیاس های گذشته بی اعتنا شده و به آن ها پای بند نیستند. به عبارت دیگر دکتر مساواتی تحرک مکانی را باعث تحول پای بندی مهاجرین می داند و معتقد است با تغییر مکان زندگی از روستا به شهر بسیاری از پای بندی ها رنگ می بازد و شرایط برای بزه های اجتماعی و فروپاشی زندگی خانوادگی فراهم می شود. او معتقد است افزایش سریع جمعیت و کاهش سطح زندگی در روستا باعث مهاجرت می شود و همچون اسکلدون و عزت ا... مافی علت مهاجرت را کاهش توان اقتصادی خانواده های روستایی می داند. به عبارت دیگر ابتدا شرایط بد اقتصادی و معضلات ناشی از فقر باعث مهاجرت روستائیان به شهر می شود و در مرحله دوم به علت عدم وجود نظارت جامعه روستایی بر مهاجرین، بزه های اجتماعی و طلاق گسترش می یابد.

دکتر عزت ا... مافی نیز در تحقیقی موردی و با روش پیمایشی «مهاجران و رابطه آنان با بزه کاری نمونه موردی در شهر وین» پایتخت اتریش را بررسی کرده است. بررسی مهاجرین خارجی شهر وین نشان می دهد مهاجرین بیش از بومیان به کارهای خلاف دست می زنند (فصلنامه جمعیت، شماره ۲۷-۲۸). شایان ذکر است که افراد غیربومی به علت عدم آشنایی با قوانین حاکم بر شهر یا کشور محل سکونت جدید بیشتر مرتکب خطا می شوند. در این تحقیق فرض نگارنده آن است که از بین گروه های مهاجر افرادی که از نظر اقتصادی درآمد کمتری دارند بیشتر مرتکب بزه کاری می شوند تا سایر مهاجران، به عبارت دیگر عامل اقتصادی نقش تعیین کننده ای در ارتکاب جرم و جنایت دارد.

برخی از اقتصاددانان و جامعه شناسان با مطالعاتی که انجام داده اند، منشاء عمده انحرافات اجتماعی را عوامل اقتصادی اعلام کرده اند. از میان عوامل مختلف اقتصادی که منجر به انواع کجروی ها می گردد، می توان از مشکلات اجتماعی که خود زائیده عواملی چون پس افتادگی فرهنگی غیرمادی نسبت به پیشرفت تکنولوژی است و یا بحران اقتصادی و ضعف قدرت مالی و اقتصادی در یک دوره به خصوص، فقر و بی چیزی و زندگی در جایی که واقعا قابل سکونت نیست را نام برد. بین جرم و اقتصاد رابطه وجود دارد زیرا هرگاه روابط اقتصادی کشور مادر مهاجرین با اتریش بهبود یابد آمار جرم مهاجران آن کشور در اتریش با کاهش مواجه می شود.

بیشترین درصد مهاجران خارجی در شهر وین در منطقه ۱۵ ساکن هستند. به طوری که ۱/۳ جمعیت منطقه را افراد غیربومی تشکیل می دهند و درصد بالایی از بزه کاران در مناطق ۵، ۷، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ که بیشترین درصد ساکنین آن ها را خارجی ها تشکیل می دهند، ساکن هستند. رابطه مستقیمی بین مهاجران و عامل اقتصادی در ارتکاب جرم و جنایت در شهر وین وجود دارد. به نحوی که اکثریت مهاجران خارجی با درآمد پائین در محلاتی در این مناطق سکونت دارند که دارای منازل فرسوده و قدیمی می باشد و این محلات با فاصله حدود ۱/۵ کیلومتر از مرکز به صورت حلقه ای هسته اولیه شهر را دربر گرفته اند. علاوه بر این، با وجود پراکندگی مهاجران خارجی در سایر قسمت های شهر به علت دوری از مرکز شهر (مناطق ۲۱ و ۲۲) و همچنین بالابودن درآمد سرانه ساکنین مناطق (۱۳ و ۲۳) مهاجران ساکن در این نواحی هم به جهت برخورداری از درآمد بیشتر، کمتر مرتکب جرم و جنایت شده اند. از میان مهاجران خارجی افرادی که از درآمد پائین تری برخوردار هستند بیشتر مرتکب جرم و جنایت می شوند. با عقد

قراردادهای اقتصادی کشور اتریش با کشور مبدا مهاجرین، وضعیت اقتصادی مهاجرین بهبود می یابد و درصد ارتکاب جرم مهاجرین دارای حرفه با کاهش روبرو می شود. در صورتی که وضعیت اقتصادی مهاجرین بهبود نیابد اقدام به ارتکاب جرم روند صعودی را طی می کند.

رونالد اسکلدون در پژوهش «**مهاجرت روستائیان به شهر و تاثیر آن بر کاهش فقر**» معتقد است که معمولاً نخبگان روستایی و افرادی که توانایی ریسک دارند به شهرها مهاجرت می کنند. این افراد از نخبگان روستایی هستند که می توانند باعث شکوفایی زندگی روستایی شوند ولی با رفتن آنان به شهر باعث افزایش شکاف بین شهر و روستا و خالی شدن روستاها از نخبگان می شود. اسکلدون در ارتباط با محاسن اقتصادی مهاجرت معتقد است ارسال پول مهاجران به روستا سبب کاهش فقر در آینده می شود (فصلنامه جمعیت، شماره ۳۸-۳۷، ص ۱۱۳).

کلیه کشورهای در حال توسعه در مقابل مهاجرت از روستا به شهر اقدامات تحدیدآمیز انجام داده اند و هیچ کدام به دنبال تشویق مهاجرت از روستا به شهر نیستند. در حالی که مهاجرت باعث کاهش فقر است و یکی از اجزای ممکن توسعه می باشد که در نهایت به کاهش فقر می انجامد اما این نقش مثبت و مهم در فرآیند توسعه به شدت مورد بی مهری قرار گرفته است. در ارتباط با وضعیت زنان اسکلدون معتقد است مهاجرت باعث بهبود وضعیت زنان می شود به طوری که زنانی که مهاجرت می کنند وضعیت معیشتی بهتری به دست می آورند و زنانی که در روستا می مانند پولی که توسط شوهرانشان ارسال می شود را سرمایه گذاری می کنند و در روستا وضعیت بهتری به دست می آورند (همان، ۱۲۴).

بررسی پیشینه پژوهش نشان داد که مهاجرین نسبت به متغیرهایی چون مسایل و مشکلات خانوادگی، طلاق، جرایم، خودکشی و... نسبت به بومیان دارای مشکلات بیشتری هستند یعنی مهاجرین بیشتر از بومیان دارای ضرب و جرح خانوادگی، طلاق، بزه های منجر به زندانی شدن و خودکشی هستند. این تحقیقات نشان می دهد که مهاجرت از عوامل موثر ایجاد کننده معضل برای مهاجرین و محیط جدید زندگی آنها است. همین مسایل باعث می شود تا ضریب امنیت اجتماعی کاهش یافته و ناامنی گسترش یابد.

گزاره های پژوهش: (اهداف، سوالات، فرضیات)

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه مهاجرت با معضلات فرهنگی اجتماعی قم است و در این راستا به مقایسه بومیان و مهاجرین در پای بندی به فرهنگ بومی،

احساس تعلق به قم، نگرش نسبت به مذهبی بودن قم، گرایش های رفتاری چون (پوشش و آرایش، استفاده از محصولات فرهنگی و روابط دختر و پسر) پرداخته می شود. همچنین مقایسه بومیان و مهاجرین در خصوص هویت اجتماعی و فرهنگی، هویت مذهبی، انسجام هویت، نگرش ضد اجتماعی، گرایش به بزهکاری و بررسی نقش متغیرهای تعدیل کننده مثل سن، جنس، تحصیلات و ... در رابطه بین مهاجرت و متغیرهای وابسته فوق الذکر مدنظر قرار می گیرد.

سوال اصلی: آیا بین مهاجرت و مسایل اجتماعی فرهنگی قم رابطه وجود دارد؟

فرضیه اصلی پژوهش

بین مهاجرت و مسایل فرهنگی اجتماعی قم رابطه وجود دارد.

فرضیه های فرعی

بین مهاجرین و بومیان در «پای بندی به فرهنگ بومی» در «احساس تعلق به قم» در «گرایش های رفتاری» (پوشش و آرایش، استفاده از محصولات فرهنگی، نگرش به روابط دختر و پسر) در «هویت اجتماعی و فرهنگی» در «هویت مذهبی» در «انسجام هویت» در «نگرش ضد اجتماعی» در «گرایش به بزهکاری» و نسبت به «مذهبی بودن قم» تفاوت وجود دارد.

بین نسل اول و دوم بومیان و مهاجرین در زمینه های فوق تفاوت وجود دارد. متغیرهای تعدیل کننده (سن، جنس، تحصیلات و ...) در رابطه بین مهاجرت و متغیرهای وابسته فوق الذکر نقش دارند.

چارچوب نظری:

در ارتباط با مبانی نظری، برخی اندیشمندان جامعه شناس نظریاتی را راجع به مهاجرت ارائه کرده اند که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

ژان پیتیه در بررسی علل مهاجرت به عواملی چون رشد جمعیت روستا، قلت درآمد، اشتغال زنان، ناهماهنگی تمدن روستایی و شهری اشاره می کند. او معتقد است مهاجرین افرادی باهوش و با قابلیت ریسک فراوان هستند. خروج چنین افرادی باعث توسعه نیافتگی روستاها می شود (پیتیه، ۱۹۷۹، مومنی کاشانی، ۱۳۶۹، ۵۸).

اندیشمندان نظریه وابستگی چون سمیرامین، مایکل تودارو و ... با نقد نظریه توسعه خطی غرب که نگرش مثبتی نسبت به مهاجرت داشته آنرا عامل پیشرفت و توسعه جهان سوم می دانند، توسعه شهرنشینی و مهاجرت در کشورهای در حال توسعه را در راستای

توسعه این کشورها ارزیابی نکرده، رسیدن به توسعه اقتصادی و فرهنگی کشورهای پیرامونی را محال می دانند. به نظر اندیشمندان نظریه وابستگی، مهاجرین معمولاً در حاشیه شهرها سکنی می گزینند و جذب کارهای دون پایه و موقت می شوند (لهسایی زاده، ۱۳۶۸، ۱۳).

بوریه و هندلین و ... به مهاجرت بین المللی توجه کرده، افزایش جرم در مهاجرین و عدم جذب محیط مقصد را از مشکلات مهاجرین در کشورهای خارجی می دانند (وحیدی، ۱۳۶۴، ۱۲۱).

اشمید و سنسبوری در بررسی خودکشی در میان مهاجرین و بومیان با انجام پیمایش به این نتیجه رسیدند که خودکشی در مهاجرین بیش از بومیان است (نیکزاد، ۳۸، ۱۳۷۶). امیل دورکیم در بررسی خودکشی به این نتیجه می رسد که خودکشی ناشی از کاهش انسجام گروهی است. حالت آنومیک، فقدان انسجام گروهی معلول عدم تعادل، دگرگونی ساختاری یا تغییر عمیق و سریع در سازمان و نظام اجتماعی است (دورکیم، ۱۹۶۷، پرهام، ۱۳۶۹، ۳۹۰). اعتقادات مذهبی می تواند از ناامیدی و رفتار هنجارگریز جلوگیری کند. نظام عقیدتی مشترک باعث حفظ جامعه و جلوگیری از هنجارگریزی است. تحولات شدید اقتصادی و تغییر مکانی منجر به آنومی و هنجارگریزی افراد شده آمار خودکشی را افزایش می دهد (ادیبی و دیگران، ۱۳۵۸، ۶۹۱).

رابرت مرتن در نظریه فشار، کج روی افراد را ناشی از فشار جامعه به فرد برای دستیابی به اهداف و ارزش های مقبول می داند. او معتقد است جامعه فرد را به کج رفتاری وادار می کند. (ممتاز، ۶۵، ۱۳۸۵) کوهن نیز شکاف بین اهداف و ابزار به واسطه ناکامی منزلتی را عامل کج رفتاری می داند (همان، ۱۰۰).

کلوارد و الین معتقدند فرصت های نامشروع از طریق عضویت در سه خرده فرهنگ جنایی، تضاد و کناره گیری به دست می آید (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۲، ۱۵). ادوین سادرلند در نظریه یادگیری، کج روی را ناشی از یادگیری هنجارها و ارزش های انحرافی به ویژه در چارچوب خرده فرهنگ و گروه های همسالان می داند. او معتقد است افراد به این علت کج رفتار می شوند که تعداد تماس های انحرافی آنان بیش از تماس های غیرانحرافی شان است (همان، ۱۷).

دانیل گلنزر در چارچوب نظریه یادگیری تماس با کج رفتاران را باعث کج رفتاری فرد ندانسته بلکه می گوید اگر این ارتباط منجر به هویت پذیری از کج رفتاران شود باعث کج

رفتاری می شود (همان، ۱۷). رابرت برگس و راندل ایگزرنیز ادامه یا تقویت هر نوع رفتاری را بستگی به تشویق یا مجازات می دانند (همان، ۱۸).

تراوس هراشی در نظریه «کنترل» کج رفتاری را ناشی از فقدان کنترل اجتماعی می داند. او معتقد است علت هم نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی، پیوند اجتماعی آنها است (ممتاز، ۱۱۹، ۱۳۸۵). جان بریتویت نیز در راستای این نظریه به این نتیجه می رسد که کنترل افراد از طریق شرمنده سازی، منجر به جلوگیری از کج رفتاری می شود (صدیق سروسستانی، ۲۰، ۱۳۸۲).

در دسته دیگری از نظریات کج روی، نظریه ساختارگرا وجود دارد که به چندین نظریه فرعی از جمله انگ زنی، پدیدارشناختی و تضاد تقسیم می شود.

در نظریه انگ زنی دو فرد وجود دارد، فرد کج رفتار و فردی که به کج رفتاری انگ می زند. برچسب انگ منجر به منافی برای فرد انگ زن و تغییر در رفتار فردی می شود که به او انگ زده شده است (همان، ۲۳).

نظریه پدیدار شناختی به دنبال تفکیک ذهن و عمل کج رفتار است. در این نظریه به ذهن کج رفتار مراجعه می شود تا تصور فرد کج رفتار از رفتار خودش و سایرین را به دست آورد. این روش به دنبال حذف تمامی پیش داوری ها در مورد کج رفتاری است و می خواهد با روش درون فهمی، هدف کج رفتار از عملش را بفهمد. کج روها با تکنیک هایی به خنثی سازی علل کج رفتاری دست می زنند از جمله انکار مسئولیت، انکار آسیب، انکار آسیب دیده، محکوم کردن عوامل کنترل اجتماعی و اعلام تبعیت از اصول بالاتر و هنجارهای مهم تر (ممتاز، ۱۷۲، ۱۳۸۵-۱۵۷).

نظریه تضاد که متأثر از نظریات مارکسیستی است معتقد است قوانین به نفع اقویا نوشته شده است از جمله زیرمجموعه های این نظریه:

نظریه قانون در عمل: قانون در کتاب و عمل متفاوت است. قانون در عمل به نفع اقویا و ثروتمندان است (صدیق سروسستانی، ۲۸، ۱۳۸۲).

نظریه واقعیت اجتماعی: سرزنش نظام قانونی موجود در نظام سرمایه داری، این نظریه سرمایه داری را عامل اصلی جرم و جنایت می داند (همان، ۲۹).

جیمزاسکات در چارچوب نظریه تضاد به وجود دو نوع رفتار یا دو "رونوشت عمومی" و "رونوشت پنهان" اشاره می کند. در "رونوشت عمومی" تمامی مردم برطبق هنجارها و قوانین نظام حاکم عمل می کنند ولی در "رونوشت پنهان" که به دور از چشم ناظرین

حاکم و حوزه عمومی جامعه است و معمولاً در خلوت و گوشه دنج می باشد، نظام حاکم به سخره گرفته می شود و تمامی ارزش ها و هنجارها مورد استهزاء قرار می گیرد. با توجه به بومی نبودن نظریات ارایه شده در این پژوهش، محقق با انجام مصاحبه با دست اندرکاران مسایل فرهنگی و اجتماعی استان و تشکیل گروه های کانونی اقدام به نظر خواهی و الویت بندی مسایل مرتبط با مهاجرت نموده است. نظریه دورکیم در مورد انسجام گروهی و نقش مذهب را آزمون کرده همچنین رونوشت عمومی و پنهان جیمز اسکات را بررسی می کند (scott, 1990).

روش پژوهش:

در این پژوهش از روش پیمایشی برای جمع آوری داده ها استفاده شده و از نوع توصیفی است و جزء طرح های علی - مقایسه ای محسوب می شود و پس رویدادی است و نتایج حاصله در همین مقطع زمانی قابل اتکاء است. جامعه آماری پژوهش کلیه شهروندان ۶۰-۱۸ سال ایرانی ساکن قم که شامل بومیان و مهاجرین است می باشد. نمونه آماری ۶۲۰ تن است. این تحقیق در سال ۱۳۸۶ انجام شده است.

برای انتخاب افراد از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای استفاده شد. در اجرای پژوهش حاضر هیچ نوع دست کاری صورت نگرفته است. برای تحلیل داده ها، نرم افزار SPSS مورد بهره برداری قرار گرفت. پرسشنامه پژوهش با ۸۲ سوال در طیف لیکرت تهیه شد.

تجزیه و تحلیل داده ها:

۶۱۲ پرسشنامه صحیح از شهروندان قمی به عنوان نمونه آماری انتخاب شد که از این تعداد ۳۲۴ نفر زن (۵۲/۹٪) و ۲۵۶ نفر مرد (۴۶/۷٪) هستند. ۷۲/۸ درصد پاسخگویان زیر ۳۸ سال سن دارند و ۶۳/۸ درصد متأهل و ۳۴/۳ درصد نیز مجردند. ۳۹/۲ درصد با تحصیلات متوسطه و دیپلم، ۱۸/۳ درصد راهنمایی و ۱۲/۲ درصد ابتدایی هستند. ۱۶ درصد نیز دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر هستند. ۲۲/۶ درصد شاغل، ۹/۹ درصد بیکار و ۳۶/۷ درصد خانه دار هستند. ۳۷/۹ درصد پاسخگویان کارگر، ۲۴/۳ درصد کارمند، ۱۷/۴ درصد کاسب و ۱۶/۶ درصد مهندس هستند. از نظر درآمد، ۶۲ درصد درآمدی زیر ۲۰۰ هزار تومان و به طور کلی ۹۰ درصد زیر ۴۰۰ هزار تومان درآمد دارند. یافته ها نشان می

دهد پاسخگویان از نظر درآمد در سطح پایینی قرار دارند. از نظر میزان هزینه نیز ۲۵/۳ درصد کمتر از ۱۰۰ هزار تومان، ۳۶ درصد بین ۱۰۱ تا ۲۰۰ هزار تومان، ۱۷/۲ درصد بین ۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار تومان و ۲۰/۸ درصد بالاتر از ۳۰۱ هزار تومان در ماه هزینه می کنند. از نظر امکانات زندگی ۶۹/۴ درصد پاسخگویان از لحاظ امکانات در حد ضعیف، ۲۱/۲ درصد در حد متوسط و ۹/۴ درصد نیز در وضعیت خوبی قرار دارند.

از نظر بومی و مهاجر ۳۵/۱ درصد پاسخگویان بومی قم و ۶۴/۸ درصد مهاجر هستند که از این تعداد ۳۳/۸ درصد مهاجر نسل اول و ۳۱ درصد مهاجر نسل دوم می باشند. از نظر منطقه سکونت نیز ۳۰/۳ درصد در منطقه یک، ۸/۲۸ درصد در منطقه دو، ۱۸/۵ درصد در منطقه سه، ۲۲/۴ درصد در منطقه چهار شهرداری ساکن هستند. از نظر فعالیت پدر پاسخگویان، ۳۹/۳ درصد شاغل، ۲۲/۲ درصد بازنشسته، ۹/۶ درصد نیز بیکار هستند.

۷/۸ درصد پاسخگویان دارای پدر روحانی هستند. از نظر شغل ۵۰/۶ درصد با مشاغل کارگری، کشاورزی و خدماتی، ۲۶/۸ درصد کارمند و سایر مشاغل متوسط اداری دارند. از نظر وضعیت شغلی مادر، ۹۰/۵ درصد دارای مادرانی خانه دار و ۵/۸ درصد دارای مادران شاغل هستند. از نظر تحصیلات پدر، ۷۱/۲ درصد زیر متوسطه، ۱۱/۲ درصد سطح متوسطه و دیپلم، ۹/۴ درصد بالاتر از دیپلم و ۸/۲ درصد نیز دارای تحصیلات حوزوی هستند. میزان تحصیلات مادران ۸۲/۷ درصد پاسخگویان زیر متوسطه، ۸/۱ درصد در سطح متوسطه و دیپلم، ۴/۲ درصد بالاتر از دیپلم و ۰/۵ درصد نیز تحصیلات حوزوی دارند. از نظر تعداد اعضاء خانوار ۵۶/۳ درصد بین ۴ تا ۶ نفر، ۲۹/۶ درصد کمتر از ۴ نفر، ۱۴ درصد دارای خانواده ۷ نفره یا بیش از ۷ نفر هستند. از نظر سن مهاجرت به قم ۴۸/۵ درصد در سنین زیر ۱۸ سال و ۵۱/۵ درصد در سنین بالای ۱۸ سال به قم مهاجرت کرده اند. از نظر قومیت ۶۷/۲ درصد فارس، ۲۷/۱ درصد ترک و ۵/۲ درصد از سایر قومیت ها هستند. ۴۲/۱ درصد پاسخگویان انگیزه مهاجرت به قم را به علت مذهبی بودن قم، ۱۹/۴ درصد با انگیزه کسب درآمد، ۱۶/۸ درصد ازدواج و ۱۱/۴ درصد تحصیل در حوزه علمیه قم را علت مهاجرت به قم اعلام کرده اند.

در ارتباط با **هویت شهروندی** ۸۳/۳ درصد پاسخگویان صرف نظر از این که بومی باشند یا مهاجر، خود را قومی می دانند. ۱۵/۸ درصد هویت قومی را نپذیرفته اند.

۳۷/۷ درصد بومیان مجرد و ۶۰/۱ درصد متأهل هستند. ۳۱/۲ درصد مهاجرین مجرد و ۶۶/۹ درصد متأهل هستند. پدران مهاجران از نظر تحصیلات عالی (لیسانس و بالاتر) و یا تحصیلات حوزوی در رتبه بالاتر از بومیان قرار دارند ولی تفاوت تحصیلات مادران در دو

گروه معنادار نیست. از نظر اشتغال ۱۰/۶ درصد مهاجران در حال حاضر به تحصیل علوم دینی و اسلامی اشتغال دارند در حالی که این تعداد در گروه بومیان به ۲/۶ درصد تقلیل می‌یابد. از نظر نوع فعالیت مادر تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. تفاوت قومیت بومیان و مهاجرین مبین آن است که ۸۳/۵ درصد بومیان فارس و ۱۳/۵ درصد ترک زبان هستند. ۵۷/۷ درصد مهاجرین فارس و ۳۵/۱ درصد ترک زبان هستند. لر، کرد و عرب تعداد محدودی از مهاجرین را به خود اختصاص می‌دهند. از نظر سطح درآمد دو گروه بومی و مهاجر تفاوت معناداری با هم ندارند و همچنین از نظر هزینه ماهیانه نیز دارای تفاوت معنادار نمی‌باشند. از نظر امکانات زندگی نیز تفاوت معناداری بین دو گروه وجود ندارد.

در ارتباط با پای بندی به فرهنگ سنتی نتایج نشان می‌دهد که ۸۹/۶ درصد پاسخگویان موافق رعایت سنت‌ها در مراسمی مثل ازدواج، ۸۴/۱ درصد خود را سنتی، ۵۹/۵ درصد مخالفند که مشکلات سنت‌ها بیش از فایده آنهاست. از نظر تحصیلات پدر، مهاجرین دارای پدرانی با تحصیلات حوزوی بیشتری هستند که این موضوع می‌تواند بر متغیرهای تحقیق تأثیرات مثبتی را به نفع مهاجرین در پی داشته باشد ولی در مورد تحصیلات مادر تفاوت بین دو گروه معنادار نیست. از نظر وضع فعالیت نیز ۱۰/۶ درصد مهاجرین افرادی هستند که در حال حاضر به تحصیل علوم دینی و اسلامی مشغول هستند در حالی که این تعداد در بومیان به ۲/۶ درصد کاهش می‌یابد. از نظر نوع فعالیت نیز تفاوت بین دو گروه معنادار است بومیان با ۴۵/۹ درصد و مهاجرین با ۳۳/۶ درصد شاغل هستند. از نظر نوع فعالیت مادر تفاوت معناداری بین دو گروه مهاجر و بومی وجود ندارد. از نظر گروه شغلی تفاوت بین دو گروه معنادار نیست. از نظر گروه شغلی پدر نیز تفاوت معنادار نیست. از نظر منطقه سکونت بین مهاجرین و بومیان تفاوت معنادار وجود دارد ولی از نظر سطح درآمد خانوار در دو گروه تفاوت معنادار وجود ندارد و از نظر هزینه ماهیانه خانواده نیز دو گروه دارای تفاوت معنادار نیستند. از نظر برخورداری از امکانات زندگی تفاوت معنادار بین دو گروه وجود ندارد. از نظر تعداد افراد خانواده اختلاف کمی بین این دو گروه وجود دارد. در ارتباط با احساس تعلق به قم نتایج نشان می‌دهد که: ۸۹/۱ درصد پاسخگویان خود را متعلق به قم می‌دانند. ۷۳/۴ درصد قم را بیش از هر شهر دیگری دوست دارند. ۳۰/۴ درصد از این که در قم زندگی می‌کنند راضی نیستند و ۸۱/۳ درصد از اینکه یک شهروند قمی باشند به خود افتخار می‌کنند.

در ارتباط با نگرش نسبت به مذهبی بودن قم نتایج نشان می دهد که : ۹۰/۲ درصد معتقدند شهر مذهبی قم معنویت خاصی دارد. ۹۳/۱ درصد موافقتند که برای حفظ چهره مذهبی قم باید تلاش کرد. ۸۳/۲ درصد مهمترین وظیفه مسئولین شهر و شهروندان را حفظ هویت مذهبی قم و ۷۶/۲ درصد معتقدند قم شهری مذهبی است و باید با شهرهای دیگر متفاوت باشد.

از نظر پوشش و آرایش: ۸۳٪ مخالف استفاده از لباس و مد های غربی هستند. ۵۳/۸ درصد مخالفند که بیشتر سخت گیری ها راجع به لباس جوانان بی مورد است. ۸۵/۷ درصد چادر را به عنوان حجاب برتر قبول دارند. ۱۴/۸ درصد لباس هایی را دوست دارند که در نظر مردم جلب توجه می کند.

از نظر محصولات فرهنگی : ۱۸/۲ درصد تماشای ماهواره را به تماشای تلویزیون ترجیح می دهند. ۷۲/۶ درصد موسیقی های مجاز را گوش می دهند تا غیرمجاز، ۲۲/۶ درصد تماشای فیلم سانسور نشده را بر فیلم مجاز ترجیح می دهند. ۷۹/۳ درصد محصولات فرهنگی ایرانی را بر غربی ترجیح می دهند.

در ارتباط با روابط دختر و پسر: ۴۰/۲ درصد مخالف معاشرت دختر و پسر بالغ قبل از ازدواج هستند. ۶۵/۲ درصد داشتن دوست از جنس مخالف را نشان دهنده ضعف اخلاقی فرد می دانند. ۶۴/۱ درصد وجود رابطه بین دختر و پسر را نشان دهنده فساد اخلاقی جامعه دانسته اند.

۶۷ درصد رابطه بین دختر و پسر قبل از ازدواج را حرام می دانند. ۵۸/۶ درصد معاشرت دختران و پسران در محیط کاری را باعث انحراف آنان می دانند. ۷۴/۳ درصد معتقدند تا جایی که می شود باید از اختلاط دختر و پسر در محیط های اجتماعی جلوگیری کرد.

در ارتباط با هویت اجتماعی و فرهنگی : ۸۵ درصد به فرهنگ جامعه خود افتخار می کنند. ۸۵/۶ درصد در انتخاب نام فرزندان از اسامی رایج در فرهنگ خود استفاده می کنند. ۹۳ درصد به زبان رایج در فرهنگ خود افتخار می کنند. ۹۳/۲ درصد به آداب و رسوم فرهنگ خود آشنایی داشته آنها دوست دارند. ۸۹ درصد ارزش های فرهنگی جامعه خود را با هیچ فرهنگ دیگری عوض نمی کنند. ۶۷/۳ درصد گفته اند خیلی وقت ها از دلیل وجود آداب و رسوم رایج در جامعه سر در نمی آورند. ۲۷ درصد نمی دانند از زندگی اجتماعی خود چه می خواهند. ۳۶ درصد در مورد روابط خود با دیگران مردد هستند.

در ارتباط با **هویت مذهبی**: ۸۷/۵ درصد از این که به ارزش های دینی در جامعه کم توجهی شود نگران هستند. ۸۷/۱ درصد خود را فردی مذهبی می دانند. ۹۳/۳ درصد در انجام تکالیف دینی از مراجع تقلید تبعیت می کنند. ۹۲ درصد بدون دلیل و عذر نماز خود را ترک نمی کنند. ۹۶/۹ درصد سعی می کنند روزه های واجب را بگیرند. ۹۳ درصد پس از ارتکاب گناه احساس عذاب وجدان می کنند. ۹۱ درصد اظهار داشته اند شرکت در مراسم مذهبی باعث آرامش و سلامتی آنان می شود.

در ارتباط با **انسجام هویت**: ۲۹/۸ درصد نمی دانند واقعا چه جور آدمی هستند. ۸۸/۶ درصد می دانند که از زندگی خود چه می خواهند. ۶۳/۲ درصد مطمئن نیستند که دیگران چه تصویری درباره آنها دارند، ۵۸/۵ درصد احساس شان نسبت به خودشان تغییر می کند. ۸۲/۸ درصد احساس می کنند به خوبی با جامعه سازگار هستند. ۸۷/۲ درصد افتخار می کنند که این گونه آدمی هستند. ۸۵/۲ درصد احساس می کنند که زندگی با معنا و باهدفی دارند.

۲۶/۲ درصد مطمئن نیستند که هدف شان از زندگی چیست.

در ارتباط با **نگرش ضد اجتماعی** نتایج نشان می دهد که: ۲۳/۶ درصد معتقدند عمل مطابق با قانون منجر به عدم پیشرفت انسان می شود. ۹۳/۴ درصد معتقدند تا جایی که می شود قانون و مقررات را رعایت می کنند. ۸۸/۶ درصد حتما اگر پلیس نباشد خود را ملزم به رعایت قوانین و مقررات رانندگی می دانند. ۹۰/۵ درصد از افرادی که قوانین را زیر پا می گذارند عصبانی می شوند. ۱۹/۷ درصد معتقدند قوانین و مقررات فقط دست و پاگیر هستند و کارها را سخت تر می کنند. ۳۹/۲ درصد موافقتند که آدم باید از هر راهی شده بار خودش را به مقصد برساند. ۳۸/۴ درصد معتقدند انسان باید خودش حقش را بگیرد و به قانون دل خوش نباشد. ۵۰/۶ درصد فکر می کنند که امروزه بیشتر آدم ها خلاف کار هستند.

در ارتباط با **گرایش به رفتارهای ناهنجار** داده ها نشان می دهد که: ۷۴/۸ درصد خود را در حد زیاد و خیلی زیاد پای بند قانون و مقررات می دانند. ۷/۵ درصد دارای دوستان معتاد زیاد و خیلی زیادی هستند. ۱۱/۵ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد بدون دلیل از رفتن به سر کار طفره می روند. ۶/۹ درصد به خاطر منافع خود در حد زیاد و خیلی زیادی زیر قول شان می زنند. ۹۳ درصد در حد زیاد و خیلی زیادی خود را در قبال خانواده مسئول می دانند. ۹/۹ درصد در حد زیاد و خیلی زیادی در کارها تقلب کرده اند. ۱۰/۸

درصد در حد زیاد و خیلی زیادی دروغ می گویند. ۱۳/۶ درصد در حد زیاد و خیلی زیادی دعوا می کنند.

مقایسه بومیان و مهاجرین

در **پای بندی به فرهنگ بومی**: میانگین دو گروه حدود ۱۶/۵ درصد است که تفاوت بسیار ناچیزی با یکدیگر دارند و فرض صفر رد نمی شود. پس فرضیه تحقیق مبنی بر «بین مهاجرین و بومیان در پای بندی به فرهنگ بومی تفاوت وجود دارد» رد می شود زیرا تفاوت بسیار ناچیز است و از نظر آماری معنادار نیست.

در **احساس تعلق به قم**: میانگین دو گروه حدود ۱۸/۲ است که هیچ گونه تفاوتی را نشان نمی دهد. در اینجا نیز فرضیه تحقیق رد می شود زیرا فرض بر آن بود که بین مهاجرین و بومیان در «احساس تعلق به قم» تفاوت وجود دارد.

در **نگرش نسبت به مذهبی بودن قم**: میانگین دو گروه به ترتیب ۱۷/۴۳ و ۱۸/۰۲ است که تفاوت اندکی را نشان می دهد. پس تفاوت از نظر آماری معنادار است یعنی با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت مهاجرین نگرش بیشتری نسبت به مذهبی بودن شهر قم دارند. در اینجا فرضیه تحقیق مبنی بر تفاوت بین مهاجرین و بومیان تایید می شود با این تفاوت که میانگین مهاجرین از نمره بالاتری نسبت به بومیان برخوردار است.

در ارتباط با **گرایش های رفتاری چون پوشش و آرایش**: میانگین دو گروه ۲۲ است که تفاوت اندکی را نشان می دهد ولی فرض صفر رد نمی شود و فرضیه تحقیق مبنی بر وجود تفاوت بین بومیان و مهاجرین رد می شود.

استفاده از **محصولات فرهنگی**: میانگین دو گروه ۱۷/۶۶ و ۱۸/۲۴ است که با یکدیگر تفاوت نشان می دهد. تفاوت از نظر آماری معنادار تلقی می شود. با اطمینان ۹۹ درصد می توان نتیجه گرفت که مهاجرین در استفاده از محصولات فرهنگی حساسیت بیشتری نشان می دهند. در اینجا فرضیه تحقیق اثبات می شود ولی تفاوت به نفع مهاجرین است.

در زمینه **نگرش نسبت به روابط دختر و پسر**: میانگین دو گروه ۱۶ است که تفاوت اندکی را نشان می دهد و از نظر آماری معنادار نیست و فرضیه صفر رد نمی شود.

می توان نتیجه گرفت که هیچ تفاوتی بین بومیان و مهاجرین در نگرش نسبت به روابط دختر و پسر وجود ندارد. فرضیه تحقیق در ارتباط با تفاوت بین مهاجر و بومی رد می شود.

مقایسه بومیان و مهاجرین در **هویت اجتماعی و فرهنگی**: میانگین دو گروه به ترتیب ۲۳/۳۶ و ۲۴/۰۴ است که با یکدیگر متفاوت است و از نظر آماری تفاوت معنادار

است و فرض صفر رد شده و می توان نتیجه گرفت که میانگین مهاجرین در هویت اجتماعی و فرهنگی بالاتر از بومیان قرار می گیرد. در اینجا نیز فرضیه تحقیق اثبات می شود ولی تفاوت به نفع مهاجرین است.

در **هویت مذهبی**: میانگین بومیان ۲۶/۶۱ و مهاجرین ۲۷/۲۰ است که تفاوت ناچیزی را نشان می دهد ولی از نظر آماری معنادار است یعنی فرض صفر رد شده و می توان نتیجه گرفت که میانگین مهاجرین در هویت مذهبی بالاتر از بومیان است. در اینجا نیز فرضیه تحقیق اثبات می شود ولی میانگین مهاجرین بیشتر از بومیان است.

در **انسجام هویت**: میانگین بومیان و ۲۳/۱۵ میانگین مهاجرین است ولی تفاوت معنادار تلقی نمی شود. یعنی فرض صفر رد نشده و می توان نتیجه گرفت که هیچ تفاوتی بین بومیان و مهاجرین در مقیاس انسجام هویت، وجود ندارد پس فرضیه تحقیق مبنی بر تفاوت بین دو گروه رد می شود.

در **نگرش ضد اجتماعی**: میانگین بومیان ۲۲/۸۷ و مهاجرین ۲۳/۳۵ است که تفاوت ناچیزی است و تفاوت از نظر آماری معنادار تلقی نمی شود. یعنی فرض صفر رد نشده و می توان نتیجه گرفت که میانگین مهاجرین و بومیان در مقیاس نگرش های ضد اجتماعی برابر است. در اینجا فرضیه تحقیق مبنی بر تفاوت بین این دو گروه رد می شود.

در **گرایش به بزهکاری**: بومیان با میانگین ۲۶/۰۱ و مهاجرین با ۲۶/۴۸ است که تفاوت اندکی را نشان می دهد و تفاوت از نظر آماری معنادار نیست و می توان نتیجه گرفت که هیچ تفاوتی بین بومیان و مهاجرین در مقیاس گرایش به بزهکاری وجود ندارد. در اینجا نیز فرضیه تحقیق مبنی بر تفاوت بین این دو گروه رد می شود.

در ارتباط با مقایسه نسل اول و دوم بومیان و مهاجرین داده ها نشان می دهد که در ۵ مقیاس **پای بندی به فرهنگ سنتی، محصولات فرهنگی، هویت اجتماعی و فرهنگی، هویت مذهبی و انسجام هویت** از نظر آماری تفاوت معنادار تلقی می شود. یعنی فرض صفر رد شده می توان نتیجه گرفت که میانگین مهاجرین نسل اول بالاتر از میانگین بومیان هم سن خود قرار می گیرد. فرضیه تحقیق مبنی بر تفاوت بین بومی و مهاجر اثبات می شود.

مقایسه نسل دوم مهاجرین و بومیان: میانگین های دو گروه به یکدیگر نزدیک است. در دو مقیاس **نگرش نسبت به مذهبی بودن قم و هویت اجتماعی و فرهنگی** بین مهاجر و بومی از نظر آماری تفاوت معنادار است. فرض صفر رد می شود و می توان نتیجه گرفت که میانگین مهاجرین نسل دوم بالاتر از میانگین بومیان هم سن خود قرار می گیرد و

فرضیه تحقیق در مورد تفاوت در مورد این مقیاس ها تایید می شود ولی در مورد سایر شاخص ها این فرضیه رد می شود.

در بین بومیان **پای بندی به فرهنگ سنتی** همراه با افزایش سن کاهش بسیار کمی را نشان می دهد اما مهاجرین نسل اول پای بندی بیشتری را نسبت به فرهنگ سنتی نشان می دهند تا مهاجرین نسل دوم.

احساس تعلق به شهر قم در بین مهاجرین نسبت به بومیان کمی بیشتر است. در هر دو گروه بومی و مهاجر نسل اولی ها احساس تعلق بیشتری دارند تا نسل دومی ها.

نگرش نسبت به مذهبی بودن شهر قم در بین مهاجرین قوی تر از بومیان است. در هر دو گروه بومی و مهاجر، نسل اولی ها احساس تعلق بیشتری دارند تا نسل دومی ها. در هر دو گروه بومی و مهاجر، نسل اولی ها نگرش های مناسب تری را نسبت به پوشش و آرایش نشان می دهند تا نسل دومی ها. در بین نسل اولی ها، نگرش های مهاجرین قوی تر است تا نگرش بومی های هم سن شان.

در بین بومیان **نگرش نسبت به محصولات فرهنگی** همراه با افزایش سن کاهش بسیار ناچیزی را نشان می دهد. اما برعکس مهاجرین نسل اول نگرش های قوی تری نسبت به استفاده از محصولات فرهنگی مجاز و داخلی نشان می دهند تا مهاجرین نسل دوم. نسل دومی های بومی و مهاجر در استفاده از محصولات فرهنگی مجاز و داخلی چندان تفاوتی با هم ندارند اما فاصله بومی و مهاجر در نسل اولی ها بیشتر می شود.

در ارتباط با **روابط دختر و پسر** اعتقاد به رعایت ملاحظات اخلاقی بین بومیان و مهاجران تفاوت چندانی ندارد. هر دو گروه بومی و مهاجر نسل اولی ها ملاحظات بیشتری دارند تا نسل دومی ها.

در ارتباط با **هویت اجتماعی و فرهنگی** در بین بومیان از نسل دوم به اول کاهش ناچیزی را نشان می دهد اما مهاجرین نسل اول هویت اجتماعی و فرهنگی قوی تری را نشان می دهند تا مهاجرین نسل دوم. نسل دومی های بومی و مهاجر در هویت اجتماعی و فرهنگی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند اما فاصله بومی و مهاجر در نسل اولی ها بیشتر می شود.

در ارتباط با **هویت مذهبی** در بین بومیان از نسل دوم به اول کاهش بسیار ناچیزی را نشان می دهد. اما برعکس، مهاجرین نسل اول هویت مذهبی قوی تری را نشان می دهند تا مهاجرین نسل دوم. نسل دومی های بومی و مهاجر در هویت مذهبی چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند اما فاصله بومی و مهاجر در نسل اولی ها بیشتر می شود.

در ارتباط با **انسجام هویت** در بین بومیان از نسل دوم به اول کاهش نشان می دهد اما برعکس، مهاجرین نسل اول هویت بیشتری را نشان می دهد تا مهاجرین نسل دوم. نسل دومی های بومی و مهاجر در انسجام هویت تفاوتی با یکدیگر ندارند اما فاصله بومی و مهاجر در نسل اولی ها بیشتر می شود.

در ارتباط با **نگرش ضد اجتماعی** در بین بومیان از نسل اول به دوم کمی کاهش نشان می دهد و این کاهش به معنای افزایش تمایلات ضد اجتماعی است. در بین مهاجرین نمره مقیاس نگرش ضد اجتماعی از نسل دوم به اول کمی افزایش نشان می دهد. نسل دومی های بومی و مهاجر در نگرش های ضد اجتماعی تفاوتی با یکدیگر ندارند اما فاصله بومی و مهاجر در نسل اولی ها بیشتر می شود.

در ارتباط با **گرایش به رفتارهای ناهنجار** در بین مهاجران و بومیان تفاوت چندانی وجود ندارد. در هر دو گروه بومی و مهاجر نسل اولی ها وضع بهتری دارند تا نسل دومی ها.

به طور خلاصه این که: در تمامی مقیاس ها فاصله بین نسل اولی ها بیش از نسل دومی ها است. نمرات بالاتر نسل اولی های مهاجرین می تواند ناشی از دو عامل باشد: سن و ویژگی های جمعیت شناختی که با افزایش سن، نگرش ها مثبت می شود و مهاجرین معمولاً یا دارای پدران روحانی هستند و یا به منظور تحصیل در حوزه علمیه آمده اند و یا به دلیل مذهبی بودن قم به این شهر مهاجرت کرده اند که چنین مسأله ای می تواند مقایسه ها را به نفع مهاجرین رقم بزند.

پس از حذف افراد روحانی، طلبه ها و پدران شاغل به تحصیل در حوزه علمیه تنها در مقیاس **«هویت اجتماعی و فرهنگی»** بین بومیان و مهاجرین تفاوت معنادار وجود دارد.

در ارتباط با زنان بومی و مهاجر پس از تحلیل داده ها، نتایج حاصله مبین آن است که با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که بین میانگین زنان بومی و مهاجر در این مقیاس ها تفاوت معنادار وجود ندارد مگر در **«پای بندی به فرهنگ سنتی»** و **«هویت اجتماعی و فرهنگی»**. یعنی زنان مهاجر گرایش بیشتری به حفظ فرهنگ سنتی نشان می دهند و از نظر اجتماعی و فرهنگی هویت منسجم تری دارند.

در ارتباط با مردان بومی و مهاجر نتایج نشان می دهد که در چهار مقیاس **«نگرش نسبت به مذهبی بودن قم»** و **«هویت اجتماعی و فرهنگی»** و **«هویت مذهبی»** و **«نگرش ضد اجتماعی»** با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که بین

میانگین مردان بومی و مهاجر در این مقیاس ها تفاوت معنادار وجود دارد. یعنی مردان مهاجر از نظر اجتماعی و فرهنگی هویت منسجم تری دارند و قم را بیشتر یک شهر مذهبی می دانند. هویت مذهبی قوی تری داشته و نگرش های ضد اجتماعی کمتری را نشان می دهند. در این جا ذکر این نکته ضروری است که مهاجرین به لحاظ جمعیت شناختی به خصوص از نظر نوع تحصیلات حوزوی و نوع فعالیت پدر (روحانی و طلبه) با بومیان تفاوت زیاد و معناداری دارند.

اما بین میانگین بومیان و مهاجرین مجرد تفاوت معنادار در مورد مقیاس ها وجود ندارد. یعنی مجردین چه بومی و چه مهاجر در هیچ یک از مقیاس ها تفاوتی با یکدیگر ندارند ولی میانگین و انحراف استاندارد در گروه متأهلین مهاجر و بومی تا حدودی از یکدیگر متفاوت است. با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که بین میانگین بومیان و مهاجرین متأهل در ۹ مقیاس تفاوت معنادار وجود دارد. در تمام این مقیاس ها وضعیت مهاجرین متأهل بهتر از بومیان متأهل است.

از نظر «**احساس تعلق به قم**» در منطقه محل سکونت نتایج نشان می دهد که بومیان منطقه ۳ بیشترین احساس تعلق و مهاجرین این منطقه کمترین احساس تعلق را به قم نشان می دهند. در بین بومیان، منطقه ۴ کمترین احساس تعلق به قم را دارند. از نظر شاخص های اجتماعی و اقتصادی این افراد جزء طبقات بالا محسوب می شوند.

بومیان منطقه ۳ بیشترین و مهاجرین این منطقه کمترین **نگرش نسبت به مذهبی بودن قم** را نشان می دهند. در سایر مناطق نگرش مهاجرین کمی مثبت تر از بومیان است. در بین بومیان، ساکنین منطقه ۴ کمترین نگرش نسبت به مذهبی بودن قم را نشان می دهند.

بیشترین اختلاف بین بومی و مهاجر در خصوص **پوشش و آرایش** در ساکنین منطقه ۲ مشاهده می شود. بومیان نگرش ضعیف تر و مهاجرین این منطقه نگرش قوی تری را نشان می دهند. اما در بین بومیان، منطقه ۳ نگرش های قوی تری را نشان می دهد.

بومیان منطقه ۴ از نظر نوع **نگرش نسبت به محصولات فرهنگی** تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند. در بین مهاجرین، ساکنین منطقه ۲ نگرش های مثبت تر و ساکنین مناطق ۳ و ۴ نگرش های پایین تری را نشان داده اند.

در بین مهاجرین نوع نگرش نسبت به روابط دختر و پسر در مناطق ۳ و ۴ کمی افت می کند.

در بین بومیان، ساکنین منطقه ۲ نگرش های پایین تر و ساکنین مناطق ۳ و ۱ نگرش های مثبت تری را نشان داده اند. ساکنین بومی و مهاجر مناطق ۲ و ۳ و ۴ در این مقیاس، تفاوت

بیشتری با یکدیگر دارند. در مناطق ۱ و ۳ و ۴ نمرات بومیان بهتر از مهاجرین همان مناطق است.

در بین مهاجرین، نمرات **هویت اجتماعی و فرهنگی** در مناطق ۳ و ۴ کمی افت می کند. در بین بومیان، ساکنین منطقه ۳ نگرش های مثبت تری را نشان داده اند. در این مقیاس ساکنین بومی و مهاجر منطقه ۱ تفاوت بیشتری با یکدیگر دارند. در تمام مناطق نمرات مهاجرین بالاتر از نمرات بومیان همان مناطق است.

در بین مهاجرین نمرات **هویت مذهبی** ساکنین هر ۴ منطقه در حد بالایی قرار دارد. در بین بومیان، ساکنین منطقه ۳ بالاترین و ساکنین منطقه ۴ کمترین هویت مذهبی را نشان می دهند. ساکنین بومی و مهاجر منطقه ۳ و ۴ تفاوت بیشتری با یکدیگر دارند. به غیر از منطقه ۳، در سایر مناطق نمرات مهاجرین بالاتر از نمرات بومیان قرار می گیرد. نمرات مهاجرین منطقه ۴ نسبت به ۳ منطقه دیگر در مقیاس **انسجام هویت** افزایش نشان می دهد. در بین بومیان، ساکنین منطقه ۲ بالاترین و ساکنین منطقه ۱ کمترین انسجام هویت را نشان می دهند. در این مقیاس ساکنین بومی و مهاجر منطقه ۱ و ۴ تفاوت بیشتری با هم دارند. به غیر از منطقه ۲ در سایر مناطق نمرات مهاجرین بالاتر از نمرات بومیان همان مناطق است.

در ارتباط با **نگرش ضد اجتماعی** در هر دو گروه بومی و مهاجر نمرات ساکنین مناطق ۲ و ۴ بالاتر از سایر مناطق است. ساکنین بومی و مهاجر منطقه ۲ و ۴ تفاوت بیشتری با هم دارند. در این مناطق مهاجرین بالاتر از نمرات بومیان همان مناطق قرار می گیرند.

در ارتباط با **گرایش به رفتارهای ناهنجار**، بومیان و مهاجرین به یکدیگر شبیه هستند. بومیان ساکن در منطقه ۲ نمرات کمتری را به دست می آورند یعنی گرایش بیشتری به رفتارهای ناهنجار نشان می دهند. نمرات مهاجرین هر ۴ منطقه تقریباً در یک سطح قرار می گیرد. در دو گروه بومی و مهاجر نمرات ساکنین منطقه ۱ بالاتر از سایر مناطق است. ساکنین بومی و مهاجر منطقه ۲ تفاوت بیشتری با یکدیگر دارند. در همه مناطق نمرات مهاجرین بالاتر از بومیان همان مناطق قرار می گیرد.

از نظر سطح درآمد و پای بندی به سنت، یافته ها مبین آن است که بومیان با درآمد بالای ۳۰۰ هزار تومان نمرات کمتری به دست آورده اند یعنی پای بندی کمتری به سنت ها نشان می دهند. نمرات مهاجرین در هر ۳ گروه درآمدی تقریباً در یک سطح قرار می گیرد. در هر دو گروه نمرات افراد دارای کمتر از ۲۰۰ هزار تومان بالاتر از دو گروه دیگر قرار می گیرد. در این مقیاس افراد بومی و مهاجر دارای درآمد بیش از ۳۰۰ هزار

تومان تفاوت بیشتری با یکدیگر دارند. در تمام گروه ها نمرات مهاجرین بالاتر از نمرات بومیان است.

در بین مهاجرین افراد دارای درآمد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان احساس تعلق کمتری به قم را نشان می دهند. نمرات بومیان با هر ۳ گروه درآمدی تقریباً در یک سطح قرار می گیرد. در این مقیاس افراد بومی و مهاجر دارای درآمد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان تفاوت بیشتری با یکدیگر دارند. به غیر از گروه اول (درآمد کمتر از ۲۰۰ هزار تومان) در دو گروه دیگر احساس تعلق بومیان بالاتر از مهاجرین است.

در بین مهاجرین افراد دارای درآمد زیر ۲۰۰ هزار تومان نگرش قوی تری نسبت به مذهبی بودن شهر قم دارند. نمرات مهاجرین ۲ گروه دیگر، تقریباً در یک سطح قرار دارد. در بین بومیان کمترین نمرات (گرایش به مذهبی بودن قم) به افراد دارای درآمد بالای ۳۰۰ هزار تومان تعلق می گیرد.

در ارتباط با پوشش و آرایش در هر دو گروه بومیان و مهاجران افراد دارای درآمد بالای ۳۰۰ هزار تومان نمرات کمتری را به دست آورده اند. در این مقیاس افراد بومی و مهاجر دارای درآمد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان تفاوت بیشتری با یکدیگر دارند. در این گروه نمرات بومیان بالاتر از مهاجرین قرار می گیرد.

در ارتباط با هویت مذهبی در گروه دارای درآمد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، بومیان نمره بالاتر و مهاجرین کمترین نمرات را به دست آورده اند. در بین بومیان افراد دو گروه دارای درآمد کمتر از ۲۰۰ هزار تومان و بیش از ۳۰۰ هزار تومان کمترین نمرات را به خود اختصاص داده اند.

در ارتباط با انسجام هویت در هر دو گروه بومی و مهاجر افراد دارای درآمد کمتر از ۲۰۰ هزار تومان کمترین نمرات را به دست آورده اند. در بین بومیان افراد دارای درآمد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان بیشترین نمرات را به خود اختصاص داده اند. نمرات مهاجرین در هر ۳ گروه از بومیان بالاتر است.

در ارتباط با نگرش ضد اجتماعی افراد دارای درآمد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان در بین بومیان بیشترین و مهاجرین کمترین نمرات را به دست آورده اند. بیشترین تفاوت بین دو گروه مهاجر و بومی در افراد دارای درآمد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان مشاهده می شود.

در ارتباط با گرایش به رفتارهای ناهنجار در بین مهاجرین گروه درآمدی با درآمد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان نمرات کمتری را به دست آورده اند، یعنی گرایش بیشتری به رفتارهای ناهنجار دارند. در بین بومیان گروه درآمدی زیر ۲۰۰ هزار تومان کمترین نمرات را به

دست آورده اند. بومیان و مهاجرین در گروه زیر ۲۰۰ هزار تومان و درآمد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، تفاوت بیشتری را با یکدیگر نشان می دهند.

پیشنهادات پژوهشگر:

- ۱- مطالعه و پژوهش جمعیت شناختی مهاجران به خصوص مهاجران نسل دوم
- ۲- فعالیت بیشتر نهادهای فرهنگی در ارتباط با هویت یابی جوانان، ۲۷ درصد از پاسخگویان نمی دانند که از زندگی اجتماعی خود چه می خواهند. بحران هویت از بحران های پنج گانه نوسازی است که تمامی جوامع بشری در گذار از جوامع سنتی به جوامع متجدد و مدرن با آن روبرو هستند. به واسطه آن که هویت امری ثابت نبوده و همیشه در حال تغییر است، وظیفه نهادهای فرهنگی در برنامه ریزی و شناخت مسائل مشکل تر می شود.
- ۳- جامعه پذیری مجدد و تلاش در راستای فرد گرایی مثبت در بین شهروندان بومی و مهاجر قم، ۳۹/۲ درصد از پاسخگویان موافقتند که آدم از هر راهی شده باید بار خودش را به مقصد برساند. برای جلوگیری از هرج و مرج و اصلاح فرد گرایی منفی و بی توجهی به منافع عمومی، فرهنگ سازی و تلاش در راستای آموزش عمومی به منظور جامعه پذیری مجدد ضروری است. نهادهای فرهنگی چون آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی وظیفه مهمی در این راستا به عهده دارند. نوع دوستی، قانون مداری و پذیرش هنجارهای زندگی مدنی از ضروریات است.
- ۴- ۳۸/۴ درصد پاسخگویان معتقدند آدم باید خودش حقش را بگیرد و به قانون دل خوش نباشد. کم رنگ شدن حضور قانون در جامعه منجر به هرج و مرج و آشوب می شود. تمامی مسئولین به عنوان نخبگان حاکم بر حوزه عمومی وظیفه دارند سمبل قانون گرایی باشند تا جامعه نسبت به اجرای قانون و اهمیت آن بی توجهی نشان ندهد. در این راستا وظیفه نهادهای اجرای قانون از اهمیت بیشتری برخوردار است و رعایت حقوق تمامی شهروندان به منظور جلوگیری از ظلم و تبعیض راهکار مناسبی برای آموزش عمومی است تا شهروندان نسبت به احقاق حقوق خود از طروق قانونی امیدوار و خوش بین باشند.
- ۵- نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی که مبتنی بر اعتماد عمومی است با بحران روبرو است به طوری که ۵۰/۶ درصد پاسخگویان معتقدند امروزه بیشتر آدم ها خلاف کار هستند. این بدبینی نسبت به دیگران ناشی از وضعیت فعلی جامعه است که منجر به عدم شکل گیری نهادهای کارآمدی چون موسسات تعاونی، عام المنفعه، خیریه عمومی و ...

می شود. بدیهی است در صورتی که سرمایه اجتماعی افزایش یابد با رشد کمی این نهادها و بازدهی کیفی آنان مواجه خواهیم شد. تاثیر مثبت افزایش سرمایه اجتماعی فراهم شدن محیط امن اجتماعی برای زیستن و بهروزی است.

۶- برخی سنت ها برای حفظ جامعه ضروری است. بازشناسی و بازیابی سنت ها وظیفه نهادهای فرهنگی است. علی رغم حفظ سنت ها که از عوامل مؤثر در هویت یابی جامعه است، ۶۷/۳ درصد پاسخگویان معتقدند از دلیل وجود آداب و رسوم سر در نمی آورند. این موضوع نشان می دهد که سنت ها بدون توجه به فلسفه وجودی آنان پذیرفته می شود و با آسیب بی توجهی نیز مواجه می شود. چون یادگیری چنین رسومی با آگاهی صورت نگرفته به صورت تقلیدی است و به راحتی می تواند به فراموشی سپرده شود در حالیکه برخی سنت ها خمیر مایه هویتی ما ایرانیان است.

باید نسبت به افزایش آگاهی عمومی اقدام کرد و حفظ و چگونگی نهادینه شدن رسوم کارآمد و مفید از وظایف دولت و فرهیختگان ایران است.



منابع و ماخذ:

- ۱- آقا یوسفی علیرضا، شناسایی مناطق بحران خیز قم، استانداری قم: ۱۳۷۶.
- ۲- اسکلدون رونالد، "مهاجرت روستاییان به شهر و تاثیر آن بر کاهش فقر"، فصلنامه جمعیت، شماره ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۰.
- ۳- ادیبی حسین و انصاری عبدالمعبود، نظریه های جامعه شناسی، جامعه، تهران: ۱۳۵۸.
- ۴- پرسا رولان، آنالیز جمعیت شناسی، خسرو اسدی، سمت، تهران: ۱۳۷۴.
- ۵- پیتیه ژان، مهاجرت روستاییان، دکتر محمد مومنی کاشانی، انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۶۸.
- ۶- دورکیم امیل، درباره تقسیم کار اجتماعی، باقر پرهام، کتاب سرای بابل، بابل: ۱۳۶۹.
- ۷- زارع شاه آبادی. اکبر، "جامعه شناسی شهرهای جدید(نقدی بر پدیده شهرهای جدید ایران)"، فصلنامه جمعیت شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۵.
- ۸- صدیق سروسستانی رحمت اله، آسیب شناسی اجتماعی، نشر آن، تهران: ۱۳۸۳.
- ۹- لهسایی زاده عبدالعلی، نظریات مهاجرت، نوید، شیراز: ۱۳۶۸.
- ۱۰- مافی عزت اله، "مهاجرت و رابطه آن با بزه کاری، نمونه موردی شهر وین ۱۹۹۶"، فصلنامه جمعیت شماره ۲۷ و ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- ۱۱- مساواتی آذر مجید، "خانواده های مهاجر روستایی و زمینه های طلاق"، فصلنامه جمعیت شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۷۵.
- ۱۲- ممتاز فریده، انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها، شرکت سهامی انتشار، تهران: ۱۳۸۵.
- ۱۳- نیکزاد احمد، مقایسه جرایم بومیان و مهاجرین در استان قم، استانداری قم: ۱۳۷۶.
- ۱۴- نیکزاد احمد، بررسی عوامل موثر در اقدام به خودکشی در استان قم، استانداری قم: ۱۳۷۶.
- ۱۵- وحیدی پریدخت، مهاجرت های بین المللی و پیامدهای آن، سازمان برنامه و بودجه، تهران: ۱۳۶۴.

1- Scot C. James, *Domination and Arts of Resistance: Hidden Transcript*, New Haven: Yale University Press, 1990.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی